

بررسی اقلام سته در سیر تحول خطوط اسلامی

محمد تقی فاضلی^۱؛ عبدالعزیز موحد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۵

چکیده

در آغاز دولت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ ه. ق) بازار خوشنویسی رونق گرفت و برای تفنن و زیبایی، شیوه‌های متعددی در خط پیدا شد. انواع خط کوفی متجاوز از پنجاه نوع مختلف رواج داشت و خط نسخ اولیه نیز از نظر شکل نگارش و اندازه قلم تنوع زیادی پیدا کرد که تشخیص و خواندن و نوشتن همه آن‌ها کار ساده‌ای نبود. در این زمان قلم‌ها یا روش‌های روشن‌تر و بهتری پدید آمدند که به خطوط ششگانه یا اقلام سته شهرت دارند. محققین ابوعلی محمد بن علی بن حسین بن عبدالله بیضاوی شیرازی (شوال ۲۷۲-۳۲۸ قمری/مارس ۸۸۶-۹۴۰ میلادی) معروف به ابن مقله، ادیب، خوشنویس و وزیر عباسیان را مبدع و شکل دهنده این شش خط مختلف می‌دانند در واقع ابن مقله این خطوط را از میان خطوط مختلف متمایز کرد و آنان را قاعده‌مند ساخت. او از آمیختن خط کوفی اولیه، نسخ اولیه و ابتکارات جدید، خطوط ششگانه را بوجود آورد. در این پژوهش اقلام سته در سیر تحول خطوط اسلامی به روش کتابخانه‌ای بارویکرد توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. براساس نتایج این مقاله هدف بررسی اقلام سته و خوشنویسی در دوره‌های اسلامی و در پی پاسخ به این پرسش است که واضح اصلی اقلام سته و خوشنویسی اسلامی چه کسی بوده است؟ بر طبق این پژوهش مشخص خواهد شد که ابن مقله نقش اصلی و مهم را ایفا نموده است. تاجایی که در این راه از جانش مایه گذاشت و باتریت شاگردانی برجسته موجب پیشرفت این هنر تزیینی در فرهنگ و تمدن اسلامی شد.

کلمات کلیدی: اقلام سته، ابن مقله، خط، خوشنویسی.

^۱ گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول).

dr.fazeli2002@yahoo.com

^۲ گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. Movahed.2011@yahoo.com

مقدمه

ابن مقله بیضاوی شیرازی به عنوان خوشنویسی نامی (۳۲۸ ق) خطوط متعدد رایج را بازبینی و خطوط شش گانه یا اقلام سته یا «خطوط اصول»: محقق؛ ریحان؛ ثلث؛ نسخ؛ رقاع؛ توقیع را مطرح ساخت که با ابتکارهایی در زیباسازی خطوط همراه بود. نیز قواعدمعینی را تحت عنوان «اصول دوازده گانه خوشنویسی» وضع کرد که هنوز هم قابل توجه است. پس از او، ابن بواب با ایجاد قواعد تازه برای خط نسخ، این خط را کامل نمود. بعدها در قرن هفتم جمال‌الدین یاقوت مستعصمی خط نسخ را احیا کرد و چند بار قرآن کریم را کتابت نمود و خط ثلث را کامل کرد و در کتیبه نگاری‌ها از آن بهره‌گیری شد. در پی حمله مغول و با فروپاشی خلافت عباسیان، شاگردان یاقوت مستعصمی (۶۹۸ ق)، مرکزیت خوشنویسی اسلامی را از بغداد به ایران و تاحدی به ترکیه عثمانی انتقال دادند و خوشنویسی همواره برای دادند. مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می‌بردند. خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است.

ادبیات و پیشینه تحقیق:

نوشین دخت نفیسی (۱۳۸۹) در کتاب " تاریخچه کتابت " و غلامحسین یوسفی (۱۳۷۱). در کتاب " یادداشت‌هایی در زمینه فرهنگ و تاریخ " آورده اند تمام مورخان که خطوط اسلامی را ذکر کرده‌اند برآنند که تا زمان ابن مقله هیچ یک از خطاطان به قدرت او در خوش‌نویسی اقلام مختلف نیامده است. بعضی دیگر گویند که «اقلام سته» که اصول خطوط متداول اسلامی است یعنی: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع را ابن مقله از خط کوفی اقتباس کرده است. آنچه مسلم است این است که ابن مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده و به بعضی از آنها سر و سامانی داده است ولی نسبت وضع تمام آن اقلام به او جایز نیست. به هر حال ابن مقله اولین کسی است که خطوط مزبور را تحت قاعده و انضباط در آورد و اصل خطوط را بر مبنای دایره و سطح پایه نهاده است. باید متذکر شد که ابن مقله دارای نبوغ و ورزیدگی خاصی در علم هندسه بود.

سیدحسین. براتی نجفی (۱۳۸۱) در کتاب "تاریخ کوفه" ترجمه سعید رادرحیمی می نویسد: در طی دو قرن اول اسلام خطوط عربی تکوین و پیدایش یافت ولی در این مدت توجهی به حسن خط نشد. فقط از اواخر سده دوم و اوایل قرن سوم بود که ذکر از خوش نویسان متعدد خط عربی به میان آمد. و پیش از آن فقط یکی دو تن کاتب را که در خدمت خلفای اموی بودند که ثبت شده است. مورخان مسلمان مأمون خلیفه عباسی و برمکیان وزرای ایرانی وی را از مروجین هنر خوش نویسی و از مشفقین خوش نویسان معرفی کرده اند. خط عربی در آخر قرن سده سوم و آغاز قرن چهارم با ظهور محمد بن علی الفارسی، از اهالی فارس و ملقب به ابن مقله وزیر المقتدر خلیفه عباسی متولد ۲۷۲ که در سال ۳۲۸ هجری به دستور خلیفه الرازی به قتل رسید. وارد مرحله جدیدی شد که باید آن را مقدمه تکامل این خط دانست. این مرد بزرگ پیش قدم نهضت یکی از مهم ترین مظاهر هنری اسلامی یعنی «خوش نویسی» است، تمام مورخان که ذکر خطوط اسلامی را کرده اند بر آنند که تا زمان ابن مقله هیچ یک از خطاطان به قدرت او در خوش نویسی اقلام مختلف نیامده است. بعضی دیگر گویند که «اقلام سته» که اصول خطوط متداول اسلامی است یعنی: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع را ابن مقله از خط کوفی اقتباس کرده است. آنچه مسلم است این است که ابن مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده و به بعضی از آنها سر و صورتی داده است ولی نسبت وضع تمام آن اقلام به او جایز نیست. به هر حال ابن مقله اولین کسی است که خطوط مزبور را تحت قاعده و انضباط در آورد و اصل خطوط را بر مبنای دایره و سطح پایه نهاده است. باید متذکر شد که ابن مقله دارای نبوغ و ورزیدگی خاصی در علم هندسه بود. قواعد بنیادی خوش نویسی ابن مقله را چنین بیان کرده اند: نقطه لوزی واحد سنجش است. اشکال هندسی حروف را تجدید طراحی شده و اندازه نسبی آنها را «نقطه لوزی» و «الف بنیادی» و «دایره مینا» تثبیت می شود. نقطه لوزی. از حرکت قلم از امتداد قطر کاغذ به دست می آید. به طوری که اضلاع برابر نقطه با پهناى قلم برابرند. همچنین مهدی اسماعیلی موعود (۱۳۸۴) در کتاب "افسونگری قلم (آموزش خط نستعلیق)" و سلمان کامل الجبوری (۱۹۹۹م، ۱۴۲۰هـ). "موسوعه الخط العربی" به تفصیل اشاره کرده اند: ابوعلی محمد بن حسین مقله فارسی برجسته ترین چهره هنر خوش نویسی و یکی از درخشان ترین چهره های فرهنگ ایران زمین است. پدرش از مردم شهر بیضای فارس بود و او در بغداد متولد شد. ابن ندیم می نویسد: ابن مقله بعد از ظهر پنجشنبه نه روز به آخر شوال سال ۲۷۲ هـ مانده بود متولد شد. بهر حال از دانشمندان روزگار خود بود در ادب و فقه و تفسیر و دیگر علوم تجربه داشت در جوانی به دستگاه خلافت وارد شد در روزگار المقتدر عامل خراج فارس گردید. بخشندگی و حمایت او از هنرمندان و دانشمندان سبب شهرت او گردید. اما کشمکش او و ابوالحسن علی بن

هلال و وزیر المقتدر سبب شد اموال او را مصادره کرده و او را زندانی کردند. در سال ۳۱۶ هـ برای اولین بار به وزارت المقتدر رسید در سال ۳۱۸ معزول شد و به فارس تبعید شد. در سال ۳۲۰ در دوران القاهر مجدداً به وزارت رسید. اما این بار نیز وزارت او به طول نینجامید پس از ۹ ماه معزول شد. چون مردم بغداد شورش کردند و القاهر را کور کردند و الراضی به خلافت رسید بار دیگر ابن مقله در سال ۳۲۲ به وزارت رسید. سومین دوره از وزارت او نیز به سبب کشمکش‌های سیاسی حکومت بغداد کوتاه مدت بود وی را برکنار کردند بار دیگر اموال او را مصادره کردند و به تحریک ابن لایق وزیر الراضی یکی از دست‌های ابن مقله را بریدند. این حادثه بر ابن مقله بسیار تأثیر گذاشت نوشته‌اند که او پس از بهبودی دست قلم را به بازوی بست و همچنان به خوش‌نویسی می‌پرداخت اما توطئه بر علیه ابن مقله پایان نگرفت تا آن که در سال ۳۲۸ الراضی به مرگ او فرمان داد و در دهم شوال آن سال ابن مقله به قتل رسید. تاریخ‌نویسان ابن مقله را پدر خوش‌نویسی اسلامی می‌دانند و خود وی می‌نویسد که پیش از او خط را انواع و اقسامی بود که مردم آنها را می‌آموختند و به دیگران نیز یاد می‌دادند. اما خوش‌نویسی به تدریج رو به انحطاط گذاشت و کمتر به آن توجه می‌شد. در آغاز اصلاحات ابن مقله ۱۴ قلم از اقلام خط رواج و رونق داشت که ابن مقله این ۱۴ قلم را به ۶ قلم اصلی که پس از او به اقلام سته مشهور شد. شش قلم عبارت بودند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رفاع، توقیع، بعضی از نویسندگان مقله را واضع این خطوط می‌دانند.

سیر تحول خوشنویسی اسلامی

ابداع کاغذ، سیر تکامل خوشنویسی را در درون و برون دستگاه‌های حکومتی و دیوانها آسان ساخت، چه پایپروس با رویه زمخت و ناصاف نگارش هنرمندانه را پذیرا نمی‌شد. تا جایی که اطلاع داریم، نخستین کتاب نگاشته شده بر کاغذ به سال ۸۷۰ میلادی تهیه شد، اما شاید نمونه‌هایی کهنتر نیز وجود داشته باشد. خوشنویسان و دبیران، در جامعه اسلامی مقام و منزلتی بس مهم یافتند و در کتاب هزارویک شب از یک داستان در باب ارج و اهمیت نگارش و خوشنویسی سخن به میان آمده است (شیمل، ۱۳۸۰: ۴۵). می‌دانیم که کاتبان وحی افراد متعددی بوده‌اند از این رو بسیار طبیعی است که بین آنان اختلافات تحریری و تفاوت‌های نگارشی و سلیقه‌ای پیدا شده باشد. از سوی دیگر حادثه «یمامه» پیش آمد که طی آن میان مسلمانان و طرفداران مدعیان دروغین نبوت، جنگی در گرفت و تعدادی از حافظان قرآن در آن واقعه کشته شدند. در نتیجه احساس خلاء کمبود نسخ قرآن برای مسلمین پیش آمد. تا در دوره خلافت عثمان، مسلمانان مصمم شدند که یک قرآن را با یک رسم الخط واحد نگارش کنند، به

شهرها و مراکز استانها و فرمانداریها بفرستند و سپس عموم نسخه های قرآن را گردآوری کنند سپس تصمیم گرفته شد که عثمان، قرآن را به رای و مشورت علی(ع) و دیگر یاران رسول خدا(ص) گردآوری کرد و از روی آن نسخه های متعددی نگاشته شد. یک نسخه از آن در مرکز خلافت اسلامی نگهداری، و بقیه را به کوفه، بصره و شام فرستادند و تکثیر نسخه های قرآن از روی همین قرآن مرکزی، آغاز گردید(ماهر، ۱۹۸۶: ۳۷).

نگارش قرآن و تکثیر آن به خط کوفی همچنان ادامه داشت. در میان مشهورترین قرآن نویس ها مردی بنام «قطبه» بود که خطی بسیار خوش داشت و خط کوفی را با چهار قلم می نگاشت. در زمان مامون خطاطی اهمیت بسیار پیدا کرد، و خطاطان در راه ساختن و ابداع خطوط جدید به مسابقه پرداختند. بدین گونه چندین قلم دیگر به نام قلم مرصع، قلم نساخ، قلم رقاع، قلم غبار، الجلی(که مخترع آن فضل بن سهل ذوالریاستین بود) به وجود آمد. به این ترتیب خط کوفی به بیست شکل مختلف درآمد، اما خط نبطی یا خط نسخ به همان شکل سابق، در میان مردم رواج داشت، تا آنکه «ابن مقله» خطاط مشهور (متوفی ۳۲۸ هجری) با نبوغ شگرف خود، خط نسخ را به صورت نیکویی درآورد و آن را جزء خطوط رسمی دولتی قرارداد. خطی که با اندک تغییر امروز نیز معمول است، همان خط اصلی ابن مقله است. مشهور است که ابن مقله، خط نسخ را از خط کوفی استخراج کرده است. ولی حقیقت این است که خط کوفی و نبطی هر دو از اوائل اسلام معمول بوده اند. بدین صورت که کوفی را برای کتابت قرآن و امثال آن به کار می بردند و خط نبطی(نسخ) در مکاتبات رسمی استعمال می شد، و ابن مقله اصلاحاتی در خط نسخ به عمل آورد و آن را برای نوشتن قرآن شایسته ساخت. علاوه براین در قرن هفتم نیز یاقوت مستعصمی، در عالم هنر خط، طلوع کرد که سبک و روش او مدتها مورد تقلید و پیروی بود و آثار گرانبهائی در تاریخ هنر خط و کتابت برجای نهاد. (شیمل، ۱۳۸۰: ۲۱).

زندگی نامه ابن مقله:

ابن مقله ابوعلی محمدبن علی بن حسین بن مقله فارسی از بزرگترین واضعان خط، از مردم فارس که در سال ۲۷۲ در بغداد متولد شده. وی واضع خط ثلث و نسخ است و یکی از دانشمندان و شاعران زمان خود که در علوم فقه و تفسیر و قرائت و ترسل و انشا سرآمد روزگار بود. در زندگی خود شهرت بسیار داشت و مورد مدح شعرا واقع می شد. ابن مقله از جوانی به کارهای دیوانی در دستگاه خلافت پرداخت و از طرف المقتدر و بالله خلیفه عباسی به حکومت فارس مامور گردید و پس از چندی به بغداد فراخوانده شد و در مرکز حکومت به خدمت مشغول شد. ابوالحسن علی بن فرات که از جمله بزرگان بغداد در آن عصر و از جمله وزرا بود چون

کفایت و دانش ابن مقله را دریافت همه کارها را به او واگذار نمود. بدین ترتیب پایه قدر و مقام و منزلت ابن مقله محکم و منبع و کاخ اقتدارش رفیع گردید و صحبت کاردانی و درایت او عالمگیر شد. اما ابن مقله که خواسته اش رشد و استقلال ایرانیان بود، بدون در نظر گرفتن عنایت ابوالحسن علی بن فرات با دشمنان او همدستان شد تا او را از وزارت خلع و علی بن عیسی ایرانی الاصل را به جای او نشانند. اما این دولت مستعجل بود و به زودی سقوط نمود و ابن فرات به مقام خویش بازگشت و ابن مقله را به زندان افکند ابن مقله در زندان مشغول نوشتن قرآن گردید. ابن مقله در زندان بود تا نابسامانی دولت مقتدر موجب سقوط مجدد ابن فرات شد و ابن فرات به دژخیمان خلیفه سپرده شد و در زیر شکنجه جان داد. آنگاه خلیفه دستور آزادی ابن مقله را صادر نمود و او را به جای ابن فرات به وزارت خویش منصوب کرد. سپس در روز چهارشنبه دهم ربیع الاول سال ۳۱۶ برای اولین بار ابن مقله به وزارت رسید. ایام وزارت ابن مقله یکی از بهترین ایام مردم بغداد بود. ابن مقله در زمان وزارت خود نهانی با سران نهضت و مبارزان ایرانی ری و طبرستان سرو سری یافت. ابن مقله به تربیت پیادگان مصافی پرداخت و ایرانیان سپاهی قدرتمند از خود تشکیل و در مقابل ترکان که قوای سواره نظام بودند ایستادند و جنگی در گرفت و پیادگان بر سوارگان تاختند. ابن مقله از این فرصت ها استفاده نموده و در براندازی حکومت جبار مقتدر عباسی زمینه ای مساعد می کرد. او با سیاست بی تفاوت نسبت به مبارزان داخل ایران به آنها قدرت می بخشید. اینها خود مزید بر علت شد و در نتیجه سرداران مقتدر به کشمکش پرداختند و مقتدر را خلع نموده و محمد بن معتضد را با لقب القاهر بالله به جای او خلیفه برگزیدند، اما ابن مقله با آنها همکاری نکرد و این موجب اعتماد مقتدر گردید و چون مقتدر دوباره روی کار آمد، ابن مقله بر جای خود استوار ماند، لیکن سه ماه بعد ابن مقله برکنار شد. اما با سرکشی و قیام فرمطیان و دوست ابن مقله مونس خادم شورش عظیم به طرفداری ابن مقله در بغداد پیش آمد و در این شورش خلیفه مقتدر بالله از مونس خادم شکست خورد و کشته شد سردی، ۱۳۸۰: ۲۵) و روز پنجشنبه ۲۸ شوال سال ۳۲۰ محمد القاهر بن احمد معتضد به خلافت رسید و بدین طریق ابن مقله در دستگاه عباسی برتری یافت. اما بی کفایتی القاهر بالله موجب گردید که جناح ترکهها برای ایرانیان برتری یابند، و دیری نپایید که القاهر گروهی از سپاهیان مونس را فریفت و آنها او را کشتند و ابن مقله پنهان شد زیرا جناح ایرانی شکست خورده بودند. اما در نهان او لشکریان خلیفه را بر علیه خلیفه تحریک می نمود و بالاخره موفق شد تا خلیفه را سرنگون کند. القاهر بالله را پس از برکناری به چشمانش میل کشیدند و اموالش را مصادره کردند و پسر مقتدر را به نام الراضی بالله به جای او نشانند. این اتفاق اگرچه موجب تقویت جناح ابن مقله گردید اما ابن رافع امیرالامرای بغداد شدیداً با ابن مقله رقابت می کرد و این رقابت موجب

شد که بالاخره ابن مقله به زیر شکنجه فرستاده شود و پس از اینکه یک میلیون دینار از وی گرفتند او را رها کردند و ابن مقله در منزل خود انزوا اختیار نمود و مشغول کتابت قرآن گردید. ابن مقله در پنهانی نامه ای به خلیفه نوشت و فساد ابن رافع را آشکار نمود و ملاقاتی پنهانی با خلیفه نهاد. اما ابن رافع آگاه شد و در ملاقات حاضر گردید و خلیفه ابن مقله را به او تسلیم کرد و در این حادثه دست راست ابن مقله از تن جدا شد و دست هنر آفرین او به خاک افکنده گردید و به زندانش انداختند. طولی نکشید که خلیفه از عمل خود پشیمان شد و اطبای عصر را به معالجه او فرستاد. گویند جراح ساعد ابن مقله بهبود حاصل کرد و ابن مقله قلم بر بازو یا ساعد بست و آنقدر ممارست کرد تا توانست چون زمان سلامت دست خود بنویسد و این باعث حیرت هر بیننده بود. چون آوازه خط نویسی او انتشار یافت، دوستان به او روی آوردند و دشمنان به هراس افتادند که ابن مقله باز ممکن است وزارت یابد. پس به دسیسه پرداختند و شرایطی فراهم آوردند که الراضی به او بدگمان شد و ابن رایغ را در شکنجه او آزاد گذارد. پس ابن رافع او را به زندان فرستاد و دستور داد تا زبانش را بکنند و سپس او را به شهادت رساندند (۳۲۸ هجری قمری). (سرمدی، ۱۳۸۰: ۲۶).

اقدامات ابن مقله در قانون مند کردن خط

ابن مقله نه تنها در علوم بسیار مهارت داشت، بلکه دشواری خط کوفی در نگارش موجب شد تا خطی را وضع کند که آسان تر به قرائت آید و زیباتر به نگارش، پس نگارش خط را بردایره و سطح نهاد و از خط کوفی خطی احداث کرد که محقق نامید و از خط محقق خط ریحان را ایجاد کرد و به آموزش آن پرداخت و سپس با افزودن بردور، خط ثلث به ظهور رسید که این خط زینت بخش اماکن اسلامی شد. خطی با قدرت ظواهر بسیار و آخر با ایجاد قلم نسخ، ناسخ اقلام آشفته کتابت گردید و او خط را به پایه ای رسانید که مظهر بیان همه اندیشه های اندیشمندان و نمای هنر هنرمندان شد. (سرمدی، ۱۳۸۰: ۲۶-۲۷).

آثار ابن مقله

از آثار ابن مقله علاوه بر اشعار، رساله «فی العلم الخط» است. از نامه ها و آثار وی چیزی دیده نشده جز دو رقع از مرقع به خط ثلث رفاع که در کاخ موزه گلستان است. نوشتن سه نسخه قرآن مجید نیز منسوب به او است. شاعران بسیار در مورد خط وی شعر سروده اند و در ادبیات فارسی چه بسیار اشعاری که به نام ابن مقله و هنر او زینت یافته است. درباره این نابغه کبیر خط در همه تذکره ها و بیشتر تواریخ قلم فرسایی شده است. نک: تمدن اسلامی در قرن چهارم، فصلنامه چلیبا، شماره ۱، احوال و آثار خوشنویسان، لغت نامه دهخدا. (همان)

مقایسه ابن بواب و ابن مقله

ابن مقله و ابن بواب هر دو از مشاهیر خطاطین در قرون ۳ و ۴ بوده اند. هر جا نام ابن مقله باشد نام ابن بواب هم پس از آن تداعی می شود. ابن مقله و برادرش هر دو برپیکره خط پدرشان که او نیز از خطاطان بود می نوشتند. نام ابن مقله علی بن حسن بن عبدالله و مقله لقب او بود. مقله به معنی مردمک چشم است. گروهی از خانواده و فرزندان ایشان در زمان حیات این دو تن و بعد از آن به نویسندگی و خطاطی مشغول بودند ولی به پایه این دو نرسیدند. ابن مقله وزیر در قلم رقا و توقیعات یگانه دهر بود که هیچکس در نوشتن این دو به مرتبه او نمی رسید. برادرش ابوعبدالله در قلم دفتر و نسخ استاد بوده و بهتر می نوشت. ابن مقله اول کسی است که مخترع رسم خط بدیع است. این مرد بزرگ ایرانی پیشقدم یکی از زیباترین خطوط در تمدن اسلامی است. مورخین برآنند که تازهور وی هیچیک از خطاطان به قدرت او در نوشتن اقلام مختلف و تتبع او در اختراع خطوط نیامده است. بعضی گویند که اقلام سته را که از اصول خطوط متعارفه اسلامی بود وی از خط کوفی اقتباس کرده است. قدر مسلم اینکه ابن مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده است و شاید بعضی خطوط را نیز وضع کرده و یا سروصورتی به آنها داده است ولی نسبت وضع تمام شش قلم به او روا نیست. مقایسه این دو خطاط بزرگ از چند حائز اهمیت است. این جهات عبارتند از:

- ۱- مقدم بودن ابن مقله از نظر تاریخی بر ابن بواب
- ۲- مقدم بودن ابن مقله از نظر هنری بر ابن بواب
- ۳- شهرت بیشتر ابن مقله نسبت به ابن بواب
- ۴- همطراز بودن آن دو در بیان تاریخی خطاطین

۱- در مورد اول مسلم است ابن مقله به فاصله حدود یک قرن قبل از ابن بواب است. صاحبان نامه دانشوران مشروح حال ابن مقله را نگاشته اند و همانجا گویند ابن مقله خط نسخ را در سال ۳۱۰ در روزگار المقتدر بالله و وزارت ابن فرات وضع نمود و آن را خوش نوشت و چون آسانتر از سایر خطوط بود مردم به تعلیم و اخذ آن راغب گشتند و این خط در تمام ممالک و بلدان شایع گشت. سپس فرمود تا کلام ... مجید را به آن خط نویسند و خط محقق و ریحان و کوفی و معقلی را در سر سوره ها مکتوب دارند.

۲- اما در مورد مقدم بودن ابن مقله بر ابن بواب مورخان مطالب زیادی نگاشته اند: گویند ابن مقله بعد از قطع شدن دست، رقعہ ای به پسرش ابوالحسین با دست چپ یا باتکاء قلم به بازوی راست به خطی نیکو نوشت.

ابوحیان توحیدی در رساله علم الکتابه خود گوید: از ابوعبداله بن الترنجی کاتب پرسیدم چه می گویی درباره خط ابن مقله. گفت: او پیغمبر خط بود همچنانکه زنبور عسل در ساختن خانه های مسدس ملهم شده، دست او هم خط را قالب ریزی کرده است. شاید به همین دلیل باشد و یا به دلیل وزیر بودن ابن مقله که در کتب تاریخی وصف ابن مقله بیشتر شده و یا در بعضی از متون نامی از ابن بواب نیامده است مثلاً در کتب لغت نامه دهخدا، دائرة المعارف اسلام، صحیح الاعشی، وصف ابن مقله بیشتر آمده و در دانشنامه مصاحب، کتاب تمدن اسلامی آدام متز، تاریخ مشاهیر ایران و عرب از ابن بواب نامی نیامده ولی وصف ابن مقله موجود است.

آقای فضائلی در کتاب اطلس خط برای خط و خطاطی ۶ تطور و یا دوره را مطرح کرده که تطور سوم و چهارم را به ابن مقله و ابن بواب اختصاص داده است. او می گوید در تطور سوم که بدست ابن مقله و برادرش صورت گرفت به بی سروسامانی اقلام خاتمه داده شد و از هرج و مرج در خط پیشگیری شد. چهارده نوع اصلاح و تهذیب انجام شد که شامل تحت قاعده سطح و دور درآوردن، هندسی کردن ابعاد حروف و مقایسه آنها و به کمال و ظرافت رساندن خط بدیع (نسخ) توقیعات، رقع، تهذیب خط محقق و تعیین دوازده قاعده در خط از آن جمله است. ابن بواب نیز در تطور چهارم عده اقلام ابن مقله را براساس قاعده هندسی او به کار بستن دوازده قاعده تکمیل کرد و تصرفات او در آنها به شیوه و طریقه تازه خود و حروف و کلمات به میزان نقطه سنجیدن و شروع و انتشار آن شیوه و پدید آوردن علم ریحانی است. شیوه ابن بواب و اقلام منتخب وی تا اواخر دوران ممالیک برجی (۷۸۴-۹۳۲ ق) در مصر پیروی می شده و صاحب جامع محاسن (۹۰۸ ق) شانزده قلم را به وی نسبت داده است.

اگرچه ابن مقله وزیر واضع و مخترع خط نسخ بود ولی ابن بواب آن را به سرحد کمال رسانید و قواعد دوازده گانه را که واضعش ابن مقله بود را کاملاً بجا آورد، چنانچه خطش به منتها درجه طراوت مشهور گشت. او قلم، کاغذ و مرکب را مهذب و تنقیح کرد و حروف با نقطه را در تحت قواعد صحیحہ درآورد. (همان).

دختر ابن مقله شیرازی

در مورد اساتید خوشنویسی و تعلیم علاءالدین علی بن هلال معروف به ابن بواب (م ۴۲۳ ه.ق) گفته اند ابن بواب رازو رمز خطوط را از دختر ابن مقله شیرازی فرا گرفته بود این زن

هنرمند به خاطر عشق به بقاء مکتب پدر خود و همگانی شدن آن هنر در اثر احساس مسئولیت در مقابل رسالت خویش، آنچه را از پدر آموخته بود برطبق اخلاص نهاده و به شاگرد مستعد خود یاد می داد.

و در جای دیگری می نویسد:

«به تواتر رسیده است این بواب از شیوه محمدبن اسد پیروی می کرد و در اواخر شیوه محمد بن سمسانی را» برگزید و با توشه تعلیم دختر ابن مقله، خطوط وزیر (ابن مقله) را گردآوری و طریق او را تهذیب و تنقیح کرد به این جهت او را ناقل هم گویند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۰: ۷۹).

روند تکامل خط عربی

خطوط عربی را در ابتدا به دو قسمت تقسیم کرده اند خطی که مشهور به خط کوفی است که قسمت شرقی خطوط عربی بوده و از خط (سیریاک) اقتباس گردیده و تا اوایل قرن ۲ ه استفاده می شده و به دلیل سنتی در نوشتن و مشکلات دوامی نداشته و خط نسخ جای آن را می گیرد. اما خط نسخ عبارت از قسمت غربی خط عربی بوده که اصلاً از روی خط نبطی اقتباس و از خط کوفی استخراج شده و به مرور تکمیل شد تا به اوج ترقی و تکامل رسید (فضایلی، ۱۳۴۵: ۶۲-۴۶).

اقلام سته ابن مقله

بطور کلی، تطور و تکامل و زیبایی راستین و استواری کامل بر مبنای مقیاسی متین با نام ابن مقله همراه است. سهم عمده ابن مقله در راه تکامل [زیبانویسی] قلم مستدیر [نسخ] این بود که تناسب حروف را بر مبنای الف [افراشتگی الف که قطر دایره ای را تشکیل دهد و کمانهای حروف بر آن بنا شود] سنجش شد. مبنای سنجش از نقطه لوزی شکل نوشته شده با قلم برآمد، بطوری که بر حسب شیوه، یک الف می تواند به بلندای ۵، ۷، یا ۹ نقطه باشد، سربیک بـاء یک نقطه بلند دارد و کشش (مد) آن پنج نقطه است و نظایر آنها. رعایت این میزان هندسی حروف که با توضیح روابط میان اجزای حروف در دایره ها و نیم دایره ها تکمیل و مقرر شد تا امروز برای خوشنویسان باقی مانده است و کمال خط را بر مبنای تناسب حروف با یکدیگر، و نه صرفاً شکل آنها می سنجند. با احتمال، هرآن که به خوشنویسی عشق می ورزد، این گفته ابو حیان توحیدی را تصدیق می کند که گفت: «ابن مقله پیغمبر خط است؛ همچنان که زنبور عسل در ساختن خانه های مسدس خود ملهم شده، دست او هم خط را قالب ریزی کرده است (شیمل، ۱۳۸۶: ۴۷؛ ضرغامی، ۱۳۷۸: ۴۶). مکتب ابن بواب در بغداد ادامه یافت. در میان استادان

پیرو شیوه او، زنی شهیده کاتب نام که سلسله خط از وی به آخرین خوشنویس بزرگ قرون میانه، یاقوت مستعصمی (در گذشته سال ۱۲۹۸ میلادی) می رسد، خواجه ای در خدمت آخرین خلیفه عباسی [المستعصم بالله] که چهل سال پس از او بزیست بی تردید مکاتب و مدارس خوشنویسی پررونق و شکوفایی پیش از او وجود داشت و چنان که ملاحظات راوندی درباره استادان خط موطن او کاشان ثابت می کند، در حدود سال ۱۲۰۰ میلادی [در شیوه تراشیدن قلم] اندک تحریفی روی می دهد که در آن قسمتهای درشت تر و نازکتر حروف نمایانتر می شود و خط را زیباتر و شکوهمند تر می سازد. این ملاحظات را کیفیت والای کار برخی از خوشنویسان اوایل تایید می کند. اما شیوه ای نوین در تراشیدن قلم را به یاقوت نسبت می دهند. در دورانهای بعد تحسینی برتر از آن نبود که بگویند خوشنویسی می توانست خط خود را به قطعه ای یاقوت بفروشد. از میان شاگردان و پیروان یاقوت که بی گمان بی شمار بودند، شش تن [شاگرد بی واسطه او] یگانه و استاد شدند و هریک از آنان در تکامل شیوه ای خاص به شهرت رسیدند. از این هنگام به بعد، اقلام سته [خطهای ششگانه] تنها خطوطی است که برای استفاده دبیران و خوشنویسان رواج می یابد. این قلمها عبارت است از: ۱- نسخ (در پیوند با عبدالله صیرفی)، ۲- محقق (در پیوند با عبدالله ارغون)، ۳- ثلث (در پیوند با احمد طیب شاه)، ۴- توقیع (در پیوند با مبارکشاه قطب)، ۵- ریحان (در پیوند با مبارکشاه سیوفی) و ۶- رقاع (در پیوند با احمد سهروردی) با پیدایش وباب شدن این شیوه های اساسی ششگانه، چندگانگی اسلوبهای پیشین به دست فراموشی سپرده می شود، در فهرست ابن ندیم، تالیف زمانی میان دوران زندگی ابن مقله و ابن بواب، بیش از بیست و چهار گونه مختلف قلم مستدیر [نسخ] برشمرده می شود (شیمل ۸۰، ۵۰-۵۱). خط ثلث عمده در کتیبه نگاری مورد استفاده بود و به استثنای نوشتن سرسوره های قرآنها، کمتر در خوشنویسی بر کاغذ به کار می رفت. برخی از قرآنهای نفیس به خط ثلث به مملوکان مصر تعلق دارد که به زر نوشته می شد، گاه چشمها [چشمه ها] ی حروف آنها با لاجورد پر شده است. به ظاهر شکلی از این هنر که بعدها مطلوب خوشنویسان افتاد در دوران حکومت تیمور ابداع شد. سید عبدالقادر بن عبدالوهاب قرآنی برای او نوشت که سطور نخستین، میانی و آخرین هر صفحه به ثلث بود. پس از آن، در آمیختن دو شیوه و قلم در دوران حکومت مملوکان و عثمانیان و بویژه در صفحه های مزین مرقعها ادامه یافت. در نوشته ها و کتیبه های بی شمار، نوشتن نام خدا و پیامبر او یا دیگر گفته های ضابطه وار دینی با قلم ثلث جلی رواج تام یافت و مساجد ترکیه را بدان وسیله آراسته و مزین می ساختند و فرانتس روزنتال که این جد و جهد را «تثبیت احساس دینی با هنر» خوانده، توصیفی در خور ارائه کرده است (شیمل ۸۰، ۵۰-۵۱). خط درشت دیگری که در سده های میانه به کار گرفته شد محقق (یعنی

«صحيح، منظم، تام و تمام» است؛ بنابه اظهار توحیدی، نخستین شرط نوشتن تحقیق (تلاش در راه صحيح و كامل نوشتن حروف) است. در خط محقق چون ریحانی که گونه ریزتر و ظریفتر برآمده از آن به شمارست، دنباله های کشیده به شماره های تند و تیز و موین ختم می شود. از این رو، آن را خطی خشک (یابس) خوانند که در آن تفاوت میان حروف عمودی و کوتاهتر کاملاً روشن است [یا به عبارت دیگر فرورفتگی (و گودی) و تمایل به پایین در آنها دیده نمی شود]، مثلاً در این قلم الف نه نقطه بلندا دارد (در حالی که در ثلث این بلندا به هفت نقطه می رسد). برسر الف سرکی [طره، ترویس] کوتاه و متمایل به راست دیده می شود، اما به هیچ روی انتهای آن تشمیری به سمت چپ ندارد؛ بدین سان تضاد میان حروف برجسته تر می شود. محقق همواره قلمی ویژه وراقان و نه قلمی دیوانی، بود و چون رایج ترین قلم وراقان یعنی نسخ، آن را از لای وراقیه، یعنی شیوه نگارش لام و الف به عنوان حرفی مثلثی و واحد، تشخیص می دهند (شیمیل، ۱۳۸۰: ۵۲). الف و واو در خط خشک، چون محقق در رسم الخط ها و دستنامه های خوشنویسی نوین ترکیه ادعا می شود که خطوط محقق و ریحانی تنها گونه های گسترده [مبسوط، مسطح] ثلث به شمارست و محققان و دانشمندان لای وراقیه، لام و الف به شیوه نگارش وراقان غربی، با آن که در شعر و شاعری اشاراتی بی شمار به این شیوه بسیارست، خط وراقی راستین، نسخ ریز و ظریف است که با قلمی نازک نوشته می شود و در آن الف بدون سرک می باشد. از میان شیوه های دیوانی، قلم رقاغ که برای نوشتن رقعها یعنی برگه های کوچک و مکاتبات و یادداشتها به کار می رفت، نه برای نگارش سندهای مهم و برجسته، همتای شیوه وراقی است. در این دو شیوه، بلندای الف تنها پنج نقطه است. با آن که رقاغ هرگز قلمی کلاسیک نبود، آخرین سرگذشتنامه نگار خوشنویسان ترک، ابن الامین اینال، فصلی کامل را به استادان این شیوه که مطابق انتظار عمده صاحب منصبان والا مقامی بودند، تخصیص داد. قرمه، یا «خط شکسته» از رقاغ به وجود آمد؛ این قلم گونه ای تندنویسی بود که در امور مربوط به مالیات و مقاصد دولتی مشابه به کار می رفت و نمی خواستند رایج و شناخته شود. قلم نسخ به عنوان شکلی هنری، بنابر ذوق و سلیقه اهل هر دیاری تکامل یافت. در ایران آن را مدور و مستقیم و به گونه ای پاکیزه کشیده مینویسند، بطوری که با شیوه مایل معمول در نگارش مابینت دارد. آخرین استاد بزرگ نسخ در ایران میرزا احمد تبریزی از اوایل قرن هیجدهم میلادی بود که با قلم محرف معتدل می نوشت و قرآنها را وی بسیار گرانبه تر شمرده می شد. نسخ مستدیر از ایران به هند رسیده و دنباله های گرد حروف کوچکتر و حتی به دایره کامل بدل شد، بطوری که صفحه خوشنویسی شده سنگین و آرامبخش جلوه می کرد. هرچند، اغلب حروف تنگاتنگ یکدیگر نوشته می شوند و کسی که به خط نسخ ترکی عادت دارد، قرآنی چاپی به شیوه

پاکستانی را بسختی می پسندد (شیمل، ۱۳۸۰: ۵۳). قلم غبار از نسخ برگرفته می شود و با قلمی نازک و ظریف نگاشته می آید. این قلم که در اصل برای نوشتن نامه هایی به کار می رفت که کبوتران نامه بر می رساندند، بعدها از آن به منظورهایی تزئینی نظیر پرکردن حرفی واحد با متنی کامل یا کشیدن چهره های انسانی، حیوانی، یا گلها یا اقوال زاهدانه بهره بردند (شیمل، ۱۳۸۰: ۵۳). اما کاربرد قلم مستدیر [نسخ] در حد اهداف دیوانی یا دبیری نماند. اندک زمانی پس از سال ۱۰۰۰ میلادی، نخستین نمونه های استفاده از این قلم در کتیبه نگاری بناها به چشم می خورد و در زمانی نسبه کوتاه جای قلم کوفی را گرفت، یا چند صباحی در کنار آن به کار رفت تا آن که خط کوفی چنان پیچیده شد که لاجرم می بایست جای خود را به قلمی خواناتر دهد (شیمل، ۸۰، ۵۵). چنین به نظر می رسد که قلمهای نسخ و ثلث استعداد خط عربی را به کاملترین وجه مجسم می کند، در حالی که تکامل خط عربی در بخش غربی جهان اسلام، یعنی مغرب، برای بسیاری جذبه کمتری دارد. حتی ابن خلدون، که خود تونسی است، نگارش هم عصران خود را که به نهضت اصلاحی خط نسخ به سرکردگی ابن مقله و اخلاش شرکت نکرده بودند تایید نکرد و چنان که به تلویح می رساند محل زندگانی آنان از نظر فرهنگی برآستی چنان پیشرفته نبود که بتواند با قاهره و تسهيلات بی شمارش کوس رقابت زند، جایی که هنری پالوده و پاک چون خوشنویسی می توانست جستجو و آموخته شود. به هر تقدیر، می دانیم که در مغرب هم شماری دانشمند و نویسنده می زیستند که به پیروی از قواعد استادان بغدادی که ظاهراً با مسافرت به شرق مطالبی آموختند، مشق خوشنویسی می کردند (شیمل، ۱۳۸۰: ۵۷-۵۶؛ حسینی، ۱۳۹۳: ۱۹). بیشتر شیفتگان خوشنویسی اسلامی، بیشترین تحسین را از شیوه «تعلیق»، آن گونه که در قلمرو ایران و زبان فارسی تکامل یافت، به عمل می آوردند. در نسخه های خطی کهن فارسی و بر سفالهای بازمانده از قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی روشی خاص می توان یافت که در آن کشش حروف به سمت چپ و پایین تمایل دارد. چنین تطور و تکاملی طبیعی است، زیرا نوشتن انجامه های بیشتر افعال فارسی - ت، ی، و -ست، حرکت قلم از سمت راست و بالا، به سوی انجامه ای کشیده و تاییده را می طلبد. بنا به اظهار قاضی [میر] احمد [منشی قمی]، خط تعلیق بانحصار برای نگارش امور دیوانی به کار می رفت. این وضع، حتی پس از آن که میرعلی تبریزی، مشهور به قدوه الکتاب، شیوه تعلیق را با شکل دادن و سنجش حروف برحسب قواعد ویژه شیوه نسخ عربی به قاعده درآورد، به همان صورت باقی ماند (شیمل، ۱۳۸۰: ۵۹).

نسخ را که نوع نگارش آن متعلق به عموم مخصوص چاپ است در رده دوم اهمیت قرار دادند. ریحان نیز از ثلث اقتباس شده با این وجه مشخص که در آن انتهای حروف تیز است. توقیع سبکی به نسب دشوار و پر استفاده است و همان گونه که از اسمش برمی آید، سبکی با عنوان

دیوان است، رقاع امروزه برای نوشتن خط تحریری سریع مورد استفاده قرار می‌گیرد و حروف آن چندان استادانه نوشته نمی‌شود (شیمیل، ۱۳۸: ۵۹).

کاربرد انواع خطوط ابن مقله

خط ریحان: برای نگارش مصاحف و ادعیه.

خط ثلث: برای نگاشتن مصاحف و کتبیبه‌ها.

خط رقاع: برای نگاشتن نامه‌های دولتی و کتبیبه‌ها.

خط توقیع: برای نگاشتن فرامین و مناشیر.

خط محقق: برای تحریر منظومه‌ها و اشعار.

خط نسخ: برای نبشتن کتب علمی و مصحف‌های بغلی (کوچک) (نصیری امینی،

۱۳۷۸: ۶۷).

خط محقق:

به نظر می‌رسد ظهور و شهرت خط محقق در آغاز دولت عباسی بوده و نام آن در اوایل آن دولت به میان آمده ابن ندیم در کتاب الفهرست (ص ۱۴) گوید: «تا آغاز دولت عباسی، مردم به همان شیوه قدیم (یعنی کوفی و قلم جلیل) می‌نوشتند. همین که خاندان هاشمی ظاهر گردید، نوشتن قرآن به آن خطوی اختصاص یافت و خطی پیدا شد که به آن عراقی می‌گفتند، و این خط محقق بود که به آن وراقی نیز گفته می‌شد» (فضایلی، ۱۳۶۲: ۱۹۶).

اصل و ریشه خط محقق از کوفی است و واضح آن ابن مقله بیضاوی بود و چون خط کوفی را پنج دانگ و نیم سطح و نیم دانگ دور بود، در خط محقق یکدانگ از سطح آن کاسته و به دور آن افزود و به این ترتیب که در خط محقق چهاردانگ و نیم سطح و یکدانگ و نیم دور معین است.

خط ریحان تابع قلم محقق است، هردو از یک اصل به وجود آمده‌اند و سطح و دور آن مانند محقق است. جز در حرف «ی» که دور آن در محقق بیشتر است. واضح آن «ابن مقله» وزیر بیضاوی است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۹: ۵۵).

خط ثلث و نسخ:

در صبح الاعشی آمده است:

قلم ثلث، یا ثلث (به حذف مضاف) آن است: که به آن در ورقی در قطع ثلثین نویسنده و کتاب در نسبت ثلث اختلاف کرده اند که آیا به اعتبار تقویر و بسط (سطح و دور) است، یا به اعتبار $\frac{1}{3}$ مساحت قلم طولمار و قسط این قلم محرف است، زیرا که در نوشتن آن احتیاج به تشعیر (دنباله های نیز و موین) است که جز با نیش قلم حاصل نشود و این خط به خلاف محقق، بیشتر مایل به دور است و ترویس در آن لازم است. در حروف الف مفرد و جیم و طا و کاف و لام مفرد و اول و دندانهای بلند که در ابتدای حروف قرار گیرد، چون «بس-بص-بط-مع-نم-بو...» و گره های صادر و طاء و غین و فا و میم و ها و واو و لام و الف محققه، باز است و در آن گرفتگی به هیچ وجه جایز نیست.

ثلث بردو نوع است: ثقیل و خفیف

بعد از رواج خط محقق و ریحان بین مردم، خط ثلث ریحانی از خط ریحان استخراج شد و برای آن نیز قواعدی قرار داده شد (محققان واضح این اصول را ابن مقله دانسته اند). در کتاب تاریخ مختصر خط، از بیان ابن مقله در مورد اصول اقلام سته (محقق-ریحان-ثلث-نسخ-توقیع-رقاع) استفاده کرده، چنین آورده است:

محقق: ۱ دانگ و نیم دور چهار دانگ و نیم سطح

ثلث: دودانگ دور، چهاردانگ سطح

نسخ: تابع ثلث است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۸)

توقیع: ۳ دانگ دور، ۳ دانگ سطح

رقاع: تابع توقیع است.

شیوه های ثلث و نسخ و ریحان و سایر خطوط در ایران، به شیوه یاقوت مستعصمی تا آغاز قرن دوازدهم در کمال رواج و رونق بود، و از آن پس بر اثر حوادث روبه انحطاط گذاشت.

ولی پس از مدتی کوتاه رو به جنبش و حیات تازه گذاشته و خط حروفچینی این زمان از روزنامه و کتب و نشریات برگرفته از خط نسخ می باشد (ضرغامی، ۱۳۷۸: ۴۵، ۴۶).

خط تعلیق و دیوانی:

تعلیق خطی است تو در تو، پیچیده شده که اتصال حروف در آن به منظور سرعت معمول بود. و گاهی حتی چند کلمه به هم متصل و پیوسته می شد. کلمات و حروف یکنواخت دیده نمی شود. یعنی گاهی درست و فربه، و گاهی ریز و لاغر نوشته شده است، و حرکات آن نرم و به جز

اندکی، تمام آن دور است و خود ریشه و اساسی برای پیدایش خط نستعلیق و شکسته نستعلیق فرض می شود.

مؤلف کتاب خط و خطاطان، ابداع نستعلیق را به خواجه ابوالعال نسبت داده است و نیز گفته می شود خواجه ابوالعال خط تعلیق را از فروع خط کوفی و پهلوی درآورده است. و برای «پ»، «چ» که تا آن زمان سه نقطه گذاردن معمول نبوده، سه نقطه وضع نموده است. ولی عده ای از محققان معتقدند که خط تعلیق از خط نسخ و ثلث و رقاع استخراج شده و در ابتدا فقط برای مکاتبات و مراسلات استفاده می شده، ولی بعداً منشا خلق آثاری بدیع گشته است. آغاز پیدایش خط تعلیق، قرن هفتم و تداول آن در قرن هشتم می باشد که در ایران تا سه قرن بعد در نهایت رواج و توسعه بوده و در ممالک عربی از آن اثری در میان نبوده است. در قرن هشتم، بنا به احتیاجی که به تندنویسی به سبب کثرت کتابت در دربارها و دیوانها نیاز بود، ابن مقلّم به صورت شکسته تعلیق درآمد که خط خاص منشیان و عمال دیوان گردیده، و گاهی به آن ترسل نیز گفته اند. (همان ۶۱) در منابع دیگر در توضیح اقلام سته آمده است "

ثلث : از خطوط ابداعی ابن مقلّم است که ریشه در خط کوفی دارد و بنام ام الخطوط معروف است . خاندان بنی عباس در زمان مامون در رواج آن بسیار کوشیدند و ایرانیان اهل فن بودند . جزو خطوط محکم و مستدیر است و برای نوشتن کتیبه ها ، سرلوح ، عناوین بکار می رفت . وجه تسمیه آن مختلف است برخی گویند: چون در ابتدا به ورقی به قطع ثلث کتابت شد به این نام معروفیت یافت و برخی گویند چون سطح و دور آن شش دانگ است یعنی یک سوم آن را ثلث گویند . این خط به خط نسخ شبیه است با این تفاوت که در ثلث حروف تشعیر دارد یعنی انجامه های آن در حروف تند و تیز است و هم دور و خمیدگی حروف آن بیشتر از خط نسخ است .

خط نسخ : در کتیبه های قبل از اسلام نوعی از نسخ رواج داشت . در آغاز اسلام تا نیمه های قرن ۱ برای کتابت نامه ها بکار میرفت و همزمان با کوفی تا قرن ۳ و ۴ بصورت ناقص رواج داشت . خط نسخ ناقص بنام نسخ حجازی معروف بود و دوران ترقی آن از اواخر قرن ۳ و ۴ است خطی یکنواخت کامل معتدل منظم و روشن است . این خط ۲ قسمت دور و ۴ قسمت سطح است اختراع آن را به ابن مقلّم در قرن ۴ ه.ق نسبت میدهند . انواع خط نسخ بنامهای زیر معروفیت دارد نسخ ترکستانی ، ترکی ، تعلیق ، شرقی ، نیریزی .

نسخ در قرن ۱۲ ه.ق توسط احمد نیریزی از ثلث به نسخ کاملاً تمایز یافت و بنام نسخ ایرانی معروفیت یافت .

خط توقیع: ریشه در خط ثلث دارد و با دو شیوه متداخل در ممالک عربی رواج یافت که شامل خط اجازه و دیگری از قطعات خط استادان ایجاد شد این خط را با این نام خوانند زیرا خلفا و وزرا بر پشت کتب و نامه با این خط می نوشتند. توقیع در لغت به معنای دستخط و امضا است و در عرف خطاطان خطی است که ریشه در خط ثلث خفیف دارد که دور وسط آن همسان و برابر است. شیوه مشهور و کهن آن همان توقیع مطلق است که در کتابت به اندازه ثلث است. این شیوه را برادر ابراهیم سنجری بنام یوسف اختراع کرد و فضل بن هارون ذوالریاستین پسندید و دستور داد تا مکاتبات دیوانی را با آن کتابت کنند و به آن ریاسی می گفتند. شیوه آن با ثلث هماهنگ است اما دگرگونی هایی با ثلث دارد یعنی قلم توقیع مدورتر است اما قلم ثلث تحریف دارد. در توقیع حروف گردتر و گودتر از حروف ثلث است. شیوه ایی از این خط در سده ۹ در کتابت مجوزهای فرهنگی و اجازه نامه های معمول در نظام خوشنویسی رواج یافت که بنام خط اجازه معروف بود. خط اجازه هیاتی نازک و ظریف دارد و حروف در آن دور بیشتری دارد تا در توقیع مطلق.

خط محقق: به معنی استوار و محکم است. خطی شکوهمند وزین و درشت است با فواصل منظم و معین و بدون تداخل است. خطی است که حروف آن در هیات مفرد و مرکب کامل صحیح و تمام باشد. یک چهارم آن دور و بقیه سطح است در عهد بنی عباس در عراق و راقان با آن می نوشتند که به آن عراقی یا وراقی می گفتند. خط رفاع نقطه مقابل خط دیوانی است محقق از ثلث آمده یعنی یک نقطه بر ثلث افزوده و سطح آن را بیشتر کرده است این خط بیشتر شبیه کوفی ساده است در خط محقق هیچ حرفی با حروف دیگر اشتباه نمیشود چون حروف به صورت ثابت است (براتی نجفی، ۱۳۸۱: ۵-۱۰).

خط رفاع: خطی مانند ثلث و توقیع است. قلمی است که رقعہ هایی بر برگهای کوچک در مکاتبات لطیف و داستان ها و حکایات مینوشتند. این قلم در دور مایل تر و زبانه قلم در تراش کوتاهتر از توقیع است. حروف رفاع ریزتر و لطیف تر است آیات قرآن و کتب و تاریخ و نام کاتب را با خط رفاع مینوشتند پس از رواج خط اجازه در ترکیه این خط متروک شد. در لغت بمعنای رقعہ است به معنی پاره ها و گونه ایی خط است که با آن مکاتبات دیوانی و قصه هارا بر روی رقعہ کتابت می کردند و حروف و صور آن به ثلث و توقیع شباهت دارد به نسبت با توقیع، رفاع دور بیشتری دارد.

ریحان: پس از محقق آمده و از آن جدا شد. ریحان به معنی ناز بو و گیاه خوشبو است. بسیار ظریف و لطیف است و شکل کوچک محقق است. نوشتن حروف ریحان مانند محقق است جز اینکه در ریحان نازک است و محقق و ریحان هر دو شبیه ثلث اند. (الف) در محقق راست و

کلفت و در ریحان راست و باریک است. در قرن ۱۰ و ۱۱ ه.ق خطوط محقق و ریحان در نوشتن مصحف و دیوان بکار میرفت. این خط منسوب به ریحانی متوفای ۲۱۹ ه.ق یا ابن مقله است. یک قسمت و نیم دور دارد و ۴ قسمت و نیم سطح است (دیوید جیمز، ۱۳۸۰: ۴۵).

خط تعلیق: از توقیع و رقاع و نسخ ایرانی است. نوعی خط تحریری است که با دخالت خط پهلوی و اوستایی وضع شد از قرن ۵ و ۶ ه.ق شروع و در قرن ۷ ه.ق بصورت تعلیق در آمد و در قرن ۸ ه.ق رواج یافت. در قرن ۷ و ۸ ه.ق بدلیل تند نویسی در کتابت درباری و دیوان بکار رفت و بصورت شکسته در آمد. خط دیوانی نوعی از خط تعلیق است که برای کتابت انعامات ملکی و امور نوشتاری دیوانی جلی در اواخر قرن ۱۰ ه.ق ایجاد شد و در کتابت بزرگ و مهم و رسمی مورد استفاده بود و بعدها که در ترکیه خط لاتین آمد این خط متروک شد. خط دیوانی در ایران کاربرد نداشت. تعلیق تا قرن ۱۰ در ایران رایج بود و در قرن ۱۳ کمتر شد و در نوشتن احکام و فرامین بکار رفت تعلیق در لغت بمعنی در آمیختگی و در عرف خطاطان خطی است که بین رقاع و توقیع آویخته و معلق است. دور آن ۵ دانگ و سطح آن ۱ دانگ است این خط ریشه خط نستعلیق است و پیچ و تاب مفردات و طریقه چسباندن حروف جدا در آن زیاد است. در تاریخ پیدایش آن آمده که اول حسن بن حسین علی فارسی کاتب عهد عمادالدوله (۳۲۰-۳۳۸) رسالات دیوانی خود را به تعلیق می نوشت این خط ابتدا بصورت ساده بود و در سده ۹ ه.ق خواجه تاج سلمانی آن را اصلاح کرد و بیشتر مکاتبات تیموری با آن کتابت می شد به این علت واضح آن را تاج سلمانی می دانند (جیمز دیوید، ۱۳۸۰: ۴۵، ۴۶).

خط نستعلیق: پس از تعلیق به فاصله یک قرن در قرن ۸ ه.ق توسط ایرانیان اختراع شد و از ترکیب نسخ و تعلیق بوجود آمد و به عروس خطوط اسلامی معروف است. این خط توسط میر علی تبریزی در قرن ۸ ه.ق وضع شد و انواع آن شامل: نستعلیق انیسی - تحریری - ترکی - هندی است (زرعی، ۱۳۷۳: ۱۱).

تنی چند از شاگردان ابن مقله

در هر حال ابن مقله با واسطه در شمار اساتید ابن بواب محسوب می شود. شاگردان او جوهری، صابی، قابوس بن وشمگیر، حسن سیرافی، سمسانی، محمد بن اسد که فن خوشنویسی را از او فرا گرفتند و ابن بواب از دو نفر اخیر خط را آموخت. البته ابن بواب قواعد خط را کامل و تمام کرد و بیشتر اقلامی که را ابن مقله به میان گذاشت او اختراع کرد.

در مطالعات جریانات تاریخی، نام سلاطین را می یابیم که نه فقط بهترین خوشنویسان و استادان این هنر را در گرداگرد خویش جمع می کردند و در عین اطمینان از اینکه تمام

خوشنویسان و نقاشان با استعداد را تحت پوشش آورده اند (مانند بایسنقر میرزا حاکم تیموری هرات) بلکه خودشان هم تلاش برای کتابت نسخه های زیبای قران بودند همچنین نمونه هایی از شعر را نیز کتابت می کردند مانند: عضدالدوله حاکم، آل بویه، در احمد حلابر بغدادی، شاه طهماسب اول حاکم ایران، شاهزاده دار شکوه وارث امپراتوری مغول (شیمل، ۱۳۸۰، ۲۰: قاضی، ۱۳۵۱: ۱۳-۱۶-۱۴).

نتیجه گیری

خطاطی ایرانی، مسیری همانند و مشابه به نقاشی ایرانی را پیموده است، شیوه ها و سبک ها با ابداعاتی که از ذهن خلاق هنرمندان ایرانی برخاسته، تأثیری چنان مشخص برجای گذاشته است که در اغلب موارد تشخیص خطی که به سبک و سیاق مطلوب هنرمند ایرانی نوشته شده بسیار سهل و قطعی می نماید. در میان همه هنرها خوشنویسی را می توان مهمترین تجلی روح اسلامی به شمار آورد. خود قران مجید بارها به اهمیت نوشتن تاکید کرده است. طبیعی است که مسلمانان نوشتن قران را از همان ابتدا به طریقی هم شان با زیبایی سرآمدش آغاز کنند. ابن مقله (وفات ۳۲۹/۹۴۰) وزیر خلفای عباسی به عنوان اولین واضع قوانین خطوط مستدیر و قوس شناخته شده است. بیش از او شماری از دست نوشته های انحنادار گوناگون مورد استفاده قرار می گرفت. در فهرست این دوازده نوع خط اصلی و دوازده شکل مختلف ذکر شده اما فهمیدن این که کدام توصیف متعلق به کدام شیوه است بسیار دشوار می نماید، زیرا به جز قرآن و کاغذهای پایپروس مدارک کمی از آن دوران باقی مانده است. بیش از این همانطور که در نوشته های ابن الندیم و ابن بادیس و سایرین می توان مشاهده کرد، واژه نصف، (نیم)، ثلثین (دوسوم) و ثلث (یک سوم) استفاده می شد. ابن بادیس این واژه ها را به زمانی که نوشتن آن ها لازم بوده مرتبط می کند. ابن مقله با استفاده از خطوط منحنی و مستقیم و نقطه های لوزی شکل برای ایجاد حروف، با ترکیبات و نسبت های مناسب قواعدی را برای زیبا نوشتن وضع کرد. وی واضع اقلام سته (شش شیوه خطاطی) است که در طول زمان مورد استفاده بوده اند، عبارتند از: ثلث، نسخ، ریحان، محقق، توقیع، رقاع، خوشنویسان مسلمان ثلث محکم و پیچیده ای را به عنوان مادر گروه خطوط مستدیر و قوی برگزیدند. اولین کسی که از هنرمندان اسلامی قواعد خط را بنیان نهاد و راه یاد دادن و یاد گرفتن صحیح آن را باز کرد ابن مقله وزیر عباسی بود که اصل و اساس سطح و دور یا دایره و خط را چنانکه قبلاً اشاره شد در نظر گرفت و بعد حروف الفبا را بر مبنای اشکال و خطوط هندسی صورت آنها را بر پایه محکمی استوار ساخت

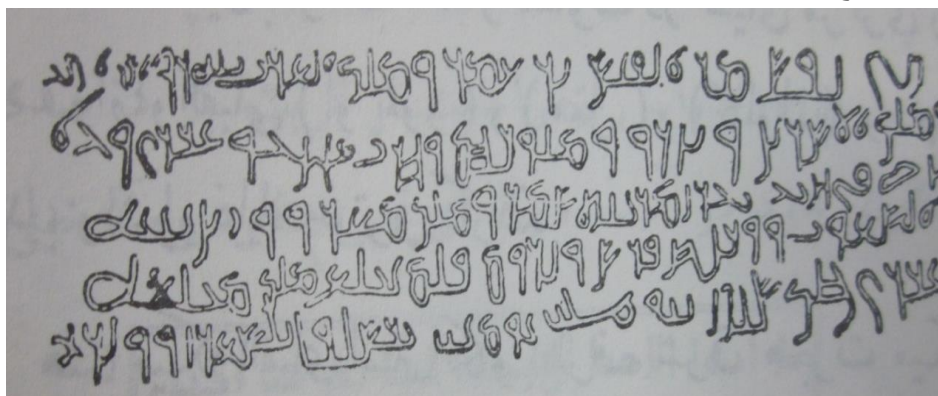
که در اینجا از مابقی عکاسی شده است و آن شیوه ی نگارش از نظر این مقله است. بعد از وی خوشنویسان بعدی در زیبایی و کمال این خطوط کوشیدند.

منابع و مأخذ

۱. افروند، قدیر (۱۳۷۵)، گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، هنر اسلامی، تهران: موزه ملی ایران.
۲. براتی‌نحفی، سیدحسین (۱۳۸۱)، تاریخ کوفه، ترجمه سعید رادرحیمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. زارعی، باب‌الله (۱۳۷۳)، کتیبه کوفی مسجد قزوین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. دیوید جیمز (۱۳۸۰)، گزیده ده جلدی مجموعه هنر اسلامی، تهران، نشر کارنگ.
۵. حسینی سیدمجتبی، (۱۳۹۳) درآمدی برهنر اسلامی ایرانی، خوشنویسی بانگاه به آثار موسسه کتابخانه وموزه ملی ملک، تهران پیکره .
۶. خلیلی ناصر، دیوید جیمز (۱۳۸۰) قرآن نویسی تاقرن ۸ هجری، ترجمه پیام بهتاش، ویراستاران، جولیان رابی، ناصر پورپیرا، چاپ اول، تهران: کارنگ.
۷. سرمدی، عباس (۱۳۸۰)، دانشنامه هنرمندان ایران وجهان اسلام، تهران: هیرمند.
۸. سفادی، یاسین حمید (۱۳۸۱). خوشنویسی اسلامی: مجموعه آثار هنر اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۰)، خوشنویسی اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: موسسه مطالعات اسلامی.
۱۰. شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۶)، خوشنویسی اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، مجموعه آثار هنری اسلامی ۳، تهران: موسسه و مطالعات هنر اسلامی.

۱۱. ضرغامی برزین (۱۳۷۸)، با همکاری ایرج، نعیمی، بزرگداشت ابن بواب، تهران: یزدانی.
۱۲. عقیقی بخشایشی عذرا (۱۳۷۹)، هنر خط و زنان خوشنویس در تمدن اسلامی، قم: بخشایش.
۱۳. فضایی، حبیب‌الله (۱۳۶۲)، اطلس خط، اصفهان: مشعل.
۱۴. قاضی احمد، منشی قمی، (۱۳۵۱) گلستان هنر تهران، تهران: منوچهری.
۱۵. گرومن، آدولف (۱۳۸۳)، منشا و توسعه ابتدایی کوفی گلدار، مترجم مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
۱۶. نصیری امینی فخرالدین (۱۳۶۷)، گنجینه خطوط، چاپ حیدری.
۱۷. ماهر، محمد (۱۹۸۶)، المکتبات فی الاسلام، مصر: مؤسسه الرسالة للطباعة.

تصاویر



نمونه ای از خط کوفی

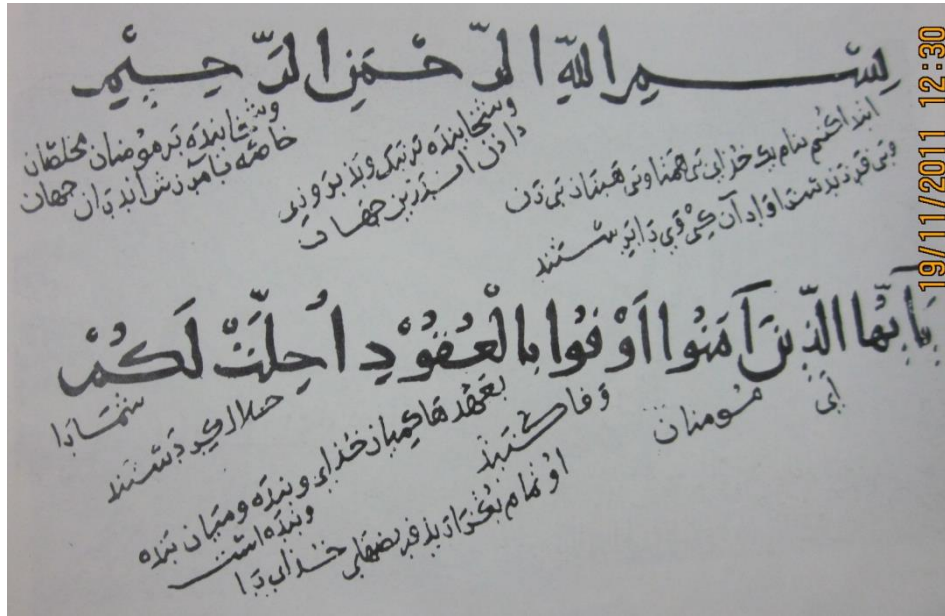


۱ خط نستعلیق ۲ خط کوفی ۳ خط ریحان

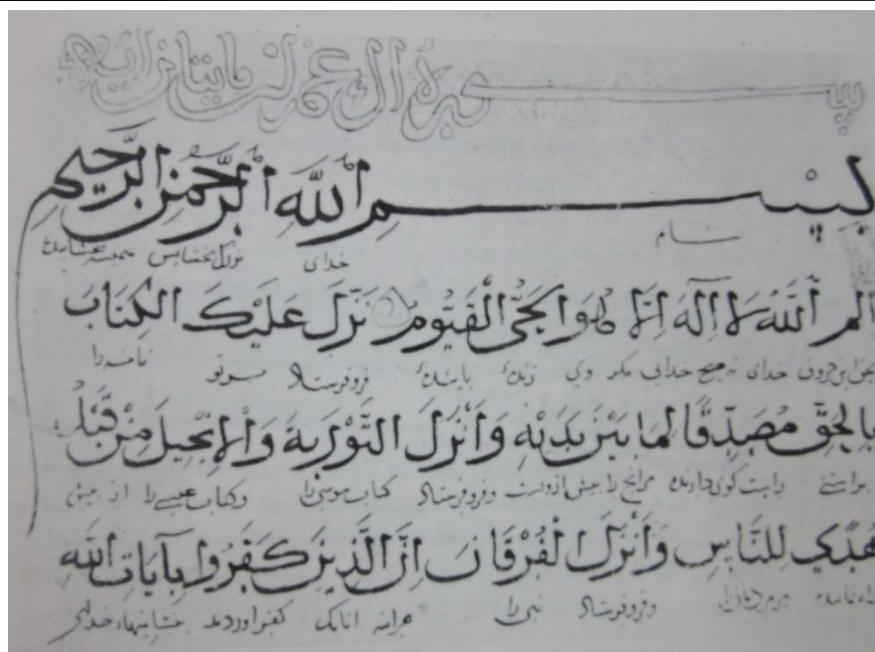
۴ خط ثلث ۵ خط شکسته ۶ خط تعلیق



بسمله سوره زیتون به خط محقق از کتاب خطوط عربی در ایران

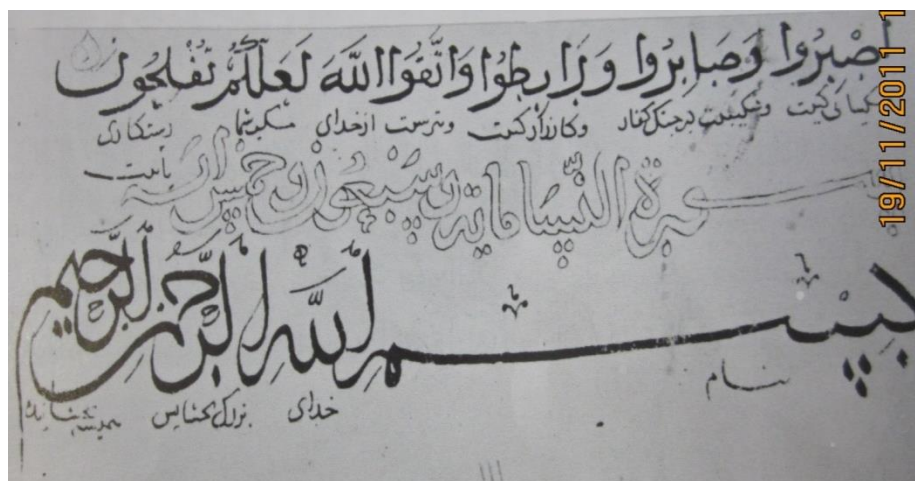


بسمله به خط نسخ کهن قرن ۵ه
از قرآن ۱۷۷۱ گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد



بسمله از سوره آل عمران به خط محقق، سر سوره به خط رفاع، خط ترجمه نسخ آمیخته به
تعلیق

از قرآن ۹۹۹ گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

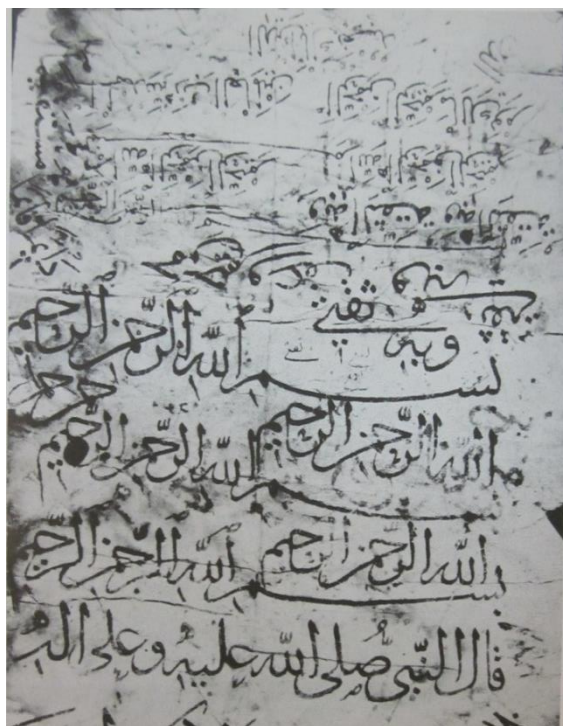


بسمله به خط ثلث از سوره مجادله

از قرآن ۹۹۹ گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

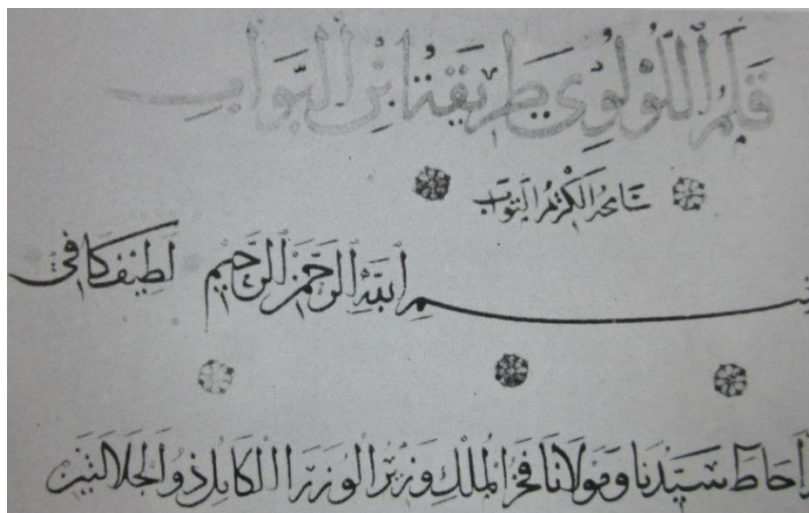


بسمله به خط محقق از سوره انعام
از قرآن ۴۶۴۰ گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

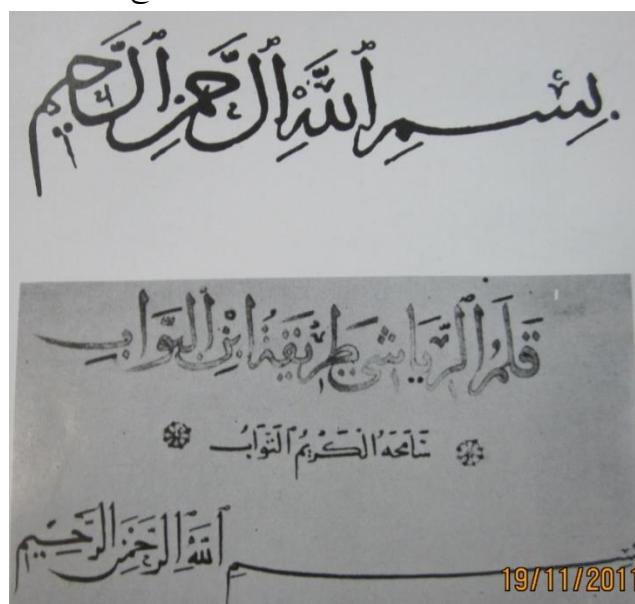


چند نمونه بسمله به خط ثلث و ریحان از اوراق پراکنده قرآنها
گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد



بسمله به شیوه ابن بواب به خط ثلث رقاع از بدايع الخط
بسمله به شیوه ابن بواب به خط ريحان از بدايع الخط



بالا: بسمله به خط ثلث از بدايع الخط

پایین: بسمله به شیوه ابن بواب به خط محقق جلیل از بدایع الخط

Survey of the Six Pens in the Evolution of Islamic Writing

Fazeli ,,

Abstract

At the beginning of the Abbasid state of 132-656. AH flourished Calligraphy market and for fancy and beauty, was found several ways in writing. The types of Kufic writing was more than fifty different .And the first Nask writing found a large variety because of the font size and writing formation that wasn't to recognize and read and write all of them easy task. At this time appeared fonts or methods brighter and better. That the writing are known six pens. Abu Ali mohammad ibn Ali ibn e Hussein Abdullah Baydawi Shirazi (272- Shawwal 328 AH/March 886 AD -940, wellknown as Ibn Moghleh, scholar, calligrapher and Abbasid minister and the inventor of the six different pens. in fact, Ibn Moghleh distinkted this writing between the different writings and made them regularly.

He created first interlaced Kufic script and first Nask writing and the new initiative, creations six pens. First, he created simple linear and legible and it called (mohaqaq) and it was made regularly. Then, he succed In shaping and creating the Nask writing. and after them ,he invented to shape the Ragha and Toghiih writtings. Most of scholars, regarded Ibn Moghleh whom the first initiator and originator of Islamic calligraphy as an art that After him , his students learned his way and in particular, they brought the Sols writing to perfection.

Keywords: Sux Pens, Ibn Moghle, Calligraphy.